

ارتباط بین ذینفع مداری با مشروعیت سازمانی وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران

دکترحمیدرضا گوهر رستمی^۱، دکتر مجتبی امیری^۲

چکیده

مقدمه و هدف: در محیط پویا و غیر قابل پیش بینی عصر حاضر، سازمان ها با چالشی به نام مشروعیت سازمانی مواجهه هستند. بنابراین این پژوهش با هدف رابطه تامین منافع ذینفعان با مشروعیت سازمانی وزارت ورزش و جوانان انجام شد.

روش شناسی: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. مدیران و کارشناسان تمامی فدراسیون ها (n=۱۵۴) (مهمترین ذینفع اولیه) و مدیران بخش خصوصی درگیر در ورزش شهر تهران (n=۲۱۵) (مهمترین ذینفع ثانویه) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. از نرم افزار spss و amos برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده گردید.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان می دهد تامین منافع فدراسیون های ورزشی به عنوان ذینفع اولیه با مشروعیت سازمانی رابطه معنی داری دارد (r=۰/۷۹, sig= ۰/۰۰۱). همچنین تامین منافع بخش خصوصی با مشروعیت سازمانی وزارت ورزش و جوانان رابطه دارد (r=۰/۸۱, sig= ۰/۰۰۱). از بین منافع فدراسیون های ورزشی، امور مربوط به اعزام تیمهای ورزشی به مسابقات برون مرزی با بار عاملی (۰/۸۵) و در بخش خصوصی هماهنگی بین وزارت ورزش با سایر نهادهای دولتی در ارائه تسهیلات با بار عاملی (۰/۷۶) و در عامل مشروعیت بخشی وزارت ورزش و جوانان، موافقت اکثر ذینفعان در جامعه با فعالیتهای وزارت ورزش با بار عاملی (۰/۷۰) بیشترین اهمیت را دارد.

بحث و نتیجه گیری: نتیجه گیری می شود که توجه به منافع و انتظارات ذینفعان می تواند بر مشروعیت در سازمانهای ورزشی تاثیر بگذارد و مشروعیت سازمانی می تواند در اجرای برنامه و سیاست ها سازمانی نقش تسهیل کننده ای داشته باشد.

کلمات کلیدی: ذینفع مداری، بخش خصوصی، فدراسیون های ملی، مشروعیت سازمانی.

مقدمه

در دهه اخیر، ادبیات تجربی و نظری بر تأثیر دو طرفه بین سازمان پیچیده و محیط آن متمرکز شده است و تامسون و مک اوین^۱ (۱۹۸۵) مدعی این مسئله هستند که ذاتاً اهداف سازمانی به گونه‌ای پویا مفروض شده‌اند که نیاز به تعامل مداوم بین محیط و سازمان دارد. در نتیجه سازمان‌ها باید استراتژی‌های را برای فائق آمدن با مسائل محیطی و تضمین بقای خود اتخاذ نمایند. سازمان‌های دولتی نیز از این قضیه مستثنی نیستند. یکی از فشارهای وارد بر سازمان‌ها که به عنوان یک تهدید شناخته می‌شود و سازمان‌ها باید به علت این فشارهای وارده، نسبت به محیط و ذینفعان^۲ خود پاسخگو بوده و رفتارهای سازگاری در قبال آن‌ها انجام دهد، کسب و حفظ مشروعیت سازمانی^۳ است. در واقع مشروعیت سازمانی انگیزه مهمی برای سازگاری هم‌زمان به شکل رفتارهای خلاق است و نیروی انگیزاننده سازمان‌ها برای افزایش عملکرد و رفتارهای خلاق نسبت به محیط سازمانی است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که وقتی سازمان مشروعیت خود را از دست می‌دهد یا از مشروعیت آن کاسته می‌شود، حمایت‌های محیطی و حمایت ناشی از ذینفعان خود را از دست می‌دهد. همچنین از دست دادن مشروعیت سازمان و حمایت اجتماعی و سیاسی می‌تواند منجر به کاهش وظایف، قطع منابع محیطی، بازسازی و براندازی سازمان‌های دولتی گردد. به همین دلیل سازمان‌ها بایستی در مقابل این فشارها، رفتارهای خلاقانه ای را برای انطباق هم‌زمان خود بروز دهند^۴ (۱).

به لحاظ تاریخی، اولین بار ماکس وبر^۴ به مفهوم مشروعیت پرداخته است. ماکس وبر از نظریه پردازان اجتماعی، به اهمیت مشروعیت در سیستم قدرت اشاره داشته است که بعداً این مسئله در مورد سازمان‌ها مطرح شد. پارسونز^۵ (۱۹۶۰) مسئله مشروعیت بخشی را توسعه داد و تأکید کرد که سازمان‌ها باید درخواست‌های مشروعی از منابع محدود داشته باشند و هدفی که آن‌ها دنبال می‌کنند، باید متجانس با ارزش‌های محیط اجتماعی وسیع‌تری باشد که در آن فعالیت می‌کنند. مفهوم مشروعیت که تأکیدش بر سازگاری اهداف سازمان با فعالیت اجتماعی است بعداً در کارهای پففر و همکارانش^۶ نمایان شد (۲). ساچمن (۱۹۹۵) به مشروعیت هم به عنوان یک منبع و هم به عنوان هم‌سوئی با قانون یا هنجارهای غالب محیطی نگریسته نگریسته است (۳) و در تعریف مشروعیت بیان می‌دارد که مشروعیت درک یا فرض کلی از اینکه عملیات یک سازمان از لحاظ اجتماعی در سیستم ساختمندی از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و تعاریف مطلوب مناسب و درخور است (۲).

همان‌طور که می‌دانیم، سازمان‌ها به عنوان قسمتی از یک سیستم اجتماعی وسیع‌تر است که در آن فعالیت می‌کند (۴) اجتماع برای این سازمان‌ها وضعیتی ایجاد می‌کند و به آن‌ها استقلال می‌دهد تا منابع طبیعی را مصرف نمایند. در عوض سازمان برای اجتماع خدمات و تولیدات فراهم می‌نماید (۵)؛ از این رو تلاش سازمان برای مشروعیت‌بخشی وسیله قراردادهای اجتماعی است که بین سازمان و اجتماع ایجاد می‌شود (۶). در این رابطه، دیگان (۲۰۰۲) اظهار می‌دارد که سازمان‌ها به بقای خود ادامه خواهند داد اگر جامعه مشروعیت را به آن اعطاء کند. از این رو مشروعیت به عنوان منبعی که سازمان‌ها برای بقا به آن وابسته هستند (۷). در واقع، مشروعیت ارزیابی عملیات سازمان به وسیله پایه گذاران بیرونی آن است و این ارزیابی بر اساس انطباق با قوانین، سیستم‌های شناختی فرهنگی و هنجاری جامعه است. مفهوم مشروعیت در خط مرزی بین سازمان و محیط وجود دارد. در نتیجه، در این محیط متغیر یکی از اهداف هر سازمان کسب مشروعیت و نشان دادن اینکه عملیاتشان مناسب، درخور و مقتضی است، ادبیات مشروعیت سازمانی نشان می‌دهد که، توجه به نیازها، منافع و انتظارات ذینفعان که در محیط سازمان قرار دارند موجب افزایش و حفظ مشروعیت سازمانی می‌گردد هر چه عملکرد سازمان مطابق با انتظارات ذینفعان باشد، مشروعیت سازمانی نیز افزایش می‌یابد (۸) در واقع مشروعیت سازمان در گروه تأمین منافع و خواسته‌های ذینفعان است و زمانی که منافع ذینفعان ورزش کشور تأمین گردد در عوض آن‌ها از اهداف و برنامه‌های وزارت ورزش و جوانان حمایت می‌کنند. بنابراین با توجه به نقش هر گروه ذینفع در توسعه سیستم ورزش، این ذینفعان همچنین تقاضا و منافی را هم برای انجام کارهای خود از وزارت ورزش و جوانان دارند که باید به آن‌ها توجه شود که این مسئله باعث ایجاد مدیریت استراتژیک ذینفعان و استراتژی ذینفع‌مداری در ورزش ملی می‌گردد (۹). استراتژی ذینفع‌مداری، مقدار توجهی است که سازمان به هر یک از گروه‌های ذینفع خود دارد و چهارچوبی را برای سازمان فراهم می‌آورد که با توجه استراتژیک خود، تقاضا و منافع گوناگون و متضاد ذینفعان خود را مدیریت می‌کند (۱۰). پرداخت و توجه به محیط و پاسخگویی به نیازهای ذینفعان، نیاز به قابلیت‌هایی سازمانی ویژه‌ای دارد و این مسئله را می‌توان تحت عنوان مدیریت ذینفع مدار خواند (۱۱). در این باره، تئوری ذینفعان بیان می‌کند که منافع همه ذینفعان برای سازمانی که بخواهد موفق باشد باید مورد توجه قرار گیرد (۱۲). در غیر این صورت، عدم تأمین منافع ذینفعان در سیستم ورزش باعث افزایش نگرانی‌ها درباره عملیات کلی و تأمین خدمات در ورزش می‌شود؛ چون بسیاری از ورزشها وابستگی شدیدی به منابع دولتی داشته تا بتوانند عملیات خود را در همان سطح حفظ نمایند. زمانی که منابع مالی و دیگر خدمات و به طور کلی منافع ذینفعان تأمین نمی‌شود این کار منجر به متوقف شدن برنامه‌ها و عدم اجرای آن می‌گردد. به همین منظور در سیستم ورزش ملی، سازمانهای ورزشی اغلب بالاترین سطح همکاری و کار تیمی را توسعه می‌دهند و تلاشهای خودشان را برای بقای آینده شان یکپارچه می‌کنند (۱۳ و ۱۴). به همین منظور سازمانهای ورزشی باید اشکال و روشهای مدیریتی را بکار بگیرند که بتوانند چالش‌ها و تقاضاهای ذینفعان خود را در

1. Thompson and McEwen

۲. Stakeholder

۳. Organizational Legitimacy

۴. Max Weber

۵. Parsons

۶. Pfeffer et al

جهت توسعه سیستم ورزش اثربخش در سطح کشور را پاسخ گفته (۱۴) چون عملیات هر دینفعی در سیستم ورزش ملی تحت تاثیر جهت گیری سیاستها، اولویت ها و توزیع منابع وزارت ورزش است (۱۵) و برای این کار نیازمند یکسری از قابلیتها و روشهایی که بتواند با توجه به موارد مطرح شده به توسعه ورزش همگانی و قهرمانی در سطح ملی دست یافت که در این رابطه، تیپولت و هاروی (۱۹۹۷) اظهار کردند که در محیط نامطمئن امروزی، سازمانهای ورزشی ملی بایستی ارتباط قوی با دینفعان مختلف خود ایجاد کنند تا تلاشهای خود را در یک جهت هماهنگ کرده و منابع خود را افزایش دهند (۱۶). از طرف دیگر، همین دینفعان به عنوان منبع فشار و تغییر محیطی بر سازمان شناخته شدهاند؛ چون این دینفعان می‌توانند به طور انفرادی یا دسته جمعی با توجه به منافی که از سازمان می‌برند در جهت تأمین منافعشان بر سیاستها و تصمیمات سازمانی تأثیر بگذارند (۱۷) و سازمانهای ورزشی ملی در جهت توسعه سیستم ورزش اثربخش خود نیازمند تأمین منافع دینفعان خود می‌باشند که در این مورد بورکه^۲ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که سازمان‌هایی می‌توانند منافع و انتظارات دینفعان را نادیده بگیرند و به خاطر حفظ روابط کارکردی با دینفعان، سازمان‌ها بایستی عملیات خود را به طور مداوم با نیازهای دینفعان تطبیق کنند. از این روی، به طور مداوم رضایت دینفعان و تأمین نیازها و انتظارات چالشی برای سازمان‌ها شده است (۱۸).

در نتیجه، وزارت ورزش و جوانان به عنوان متولی و سیاست گذار امر ورزش در کشور برای موفقیت ورزش در سطح ملی و با توجه به دینفعان متعددی که در سیستم ورزش در حال فعالیت است، نیاز به حمایت و همکاری این دینفعان برای دستیابی به اهداف توسعه ورزش دارد و این امر حاصل نخواهد شد مگر اینکه وزارت ورزش و جوانان بتواند منافع دینفعان خود را تأمین کرده و از این طریق بتواند مشروعیت سازمانی را در بین دینفعان خود کسب کرده و با مشروعیت سازمانی خود بتواند حمایت و منابع در اختیار آنها را در جهت توسعه سیستم ورزش اثربخش بکار گیرد. بر این اساس، سازمان‌ها روش‌هایی را بکار می‌گیرند تا دینفعان خود را مدیریت نمایند و منافع آنها را تأمین نمایند و این مسئله، این سوال را ایجاد می‌کند که چگونه سازمان می‌تواند پاسخگویی خود را به منظور افزایش درک مشروعیت سازمانی مدیریت نماید و چه فعالیتهایی را در ارتباط با دینفعان خود بکار گیرد تا منافع دینفعان را تأمین و عملکرد سازمانی را از دیدگاه دینفعان بهبود دهند؟ و در نهایت بتواند مشروعیت سازمانی را افزایش دهد؟ بنابراین این پژوهش با هدف تعیین ارتباط تأمین منافع دینفعان با مشروعیت سازمانی وزارت ورزش و جوانان انجام شد.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است که به شکل میدانی انجام گرفت. با توجه به اینکه وزارت ورزش و جوانان، گروه‌های دینفع متعددی دارد، بنابراین جامعه آماری این پژوهش، مهمترین دینفعان وزارت ورزش و جوانان انتخاب شدند. فریمن (۱۹۸۴) در یک طبقه بندی دینفعان سازمان‌ها را به دو گروه دینفعان اولیه و ثانویه تقسیم کرده است. بر این اساس در این پژوهش دینفعان اولیه و ثانویه در مصاحبه‌ای ساختارمند با ۱۱ نفر از مدیران میانی وزارت ورزش و ۱۱ نفر از متخصصان که اعضای هیات علمی دانشگاه انجام گرفته بود تعیین گردید. همچنین برای تعیین اهمیت دینفعان، پرسشنامه‌ای بین کارشناسان وزارت ورزش و جوانان توزیع گردید که در این پرسشنامه میزان اهمیت دینفعان وزارت ورزش براساس ماتریس قدرت/منافع مندلو^۳ (۱۹۹۱) تعیین گردید و بر اساس نتایج این پژوهش کلیدی ترین دینفع اولیه، فدراسیون‌های ورزشی و کلیدی ترین دینفع ثانویه، بخش خصوصی فعال در ورزش شهر تهران انتخاب شدند. در این پژوهش از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد تا بتوان گروه‌های همگنی از دینفعان تشکیل داد و به تناسب هر طبقه نمونه‌گیری مناسب انتخاب شود. نمونه آماری در فدراسیون‌های ورزشی، مدیران و روسای کمیته فدراسیون‌های ورزشی به عنوان دینفعان اولیه بودند که ۲۷۵ پرسشنامه بین نمونه‌ها توزیع و ۱۵۴ پرسشنامه جمع‌آوری گردید و در بخش خصوصی فعال در ورزش، مدیران بخش‌های خصوصی فعال در ورزش شهر تهران به عنوان دینفعان ثانویه بودند که تعداد آنها براساس آمار اداره کل ورزش و جوانان استان تهران ۹۰۰ باشگاه بود که به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بر اساس واحدهای تربیت بدنی اداره کل وزارت ورزش و جوانان شهر تهران (شمال شرق، شمال غرب، جنوب شرق و جنوب غرب) و مناطق مستقر در این واحدها انتخاب شدند که از ۲۵۰ پرسشنامه توزیع شده، ۲۱۲ پرسشنامه سالم جمع‌آوری گردید و در مجموع ۳۶۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شاخص هلتر^۴ برای تعیین حجم نمونه نشان می‌دهد که حداقل نمونه در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ برابر با ۲۵۴ و در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ برابر با ۲۷۰ نمونه است. همچنین برای تعیین حجم نمونه در مدل سازی معادلات ساختاری به ازای هر سؤال ۴ تا ۶ پرسشنامه نیاز است و چون تعداد سئوالات پرسشنامه ۶۴ گویه است، بنابراین تعداد نمونه باید بین ۲۵۶ تا ۳۸۴ نمونه باشد که در این تحقیق ۳۶۶ نمونه جمع‌آوری گردید (۱۹) و از این حیث تعداد نمونه تحقیق کافی و مناسب است. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بوده که جهت ارزیابی روایی تمامی پرسشنامه‌ها از نظرات خبرگان دانشگاهی مدیریت ورزش استفاده شد و جهت بررسی اعتبار پرسش نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ در یک مطالعه آزمایشی استفاده شد. اعتبار پرسشنامه مشروعیت سازمانی با ۵ سؤال $\alpha = 0/85$ ، اعتبار پرسشنامه منافع فدراسیون‌های ورزشی با ۶ سؤال $\alpha = 0/92$ و بخش خصوصی نیز با ۶ سؤال $\alpha = 0/89$ بودند.

۱. Thibault and Harvey

۲. Burke

۳. Mendelow Matrix

۴. Hoelster

برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی به منظور توصیف داده‌ها، دسته بندی، خلاصه کردن، بدست آوردن شاخص‌های مرکزی (میانگین)، بدست آوردن شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار) و جداول استفاده گردید و از روش‌های استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها و برازش مدل مناسب تشخیص داده شد. برای تعیین ذینفعان اولیه و ثانویه بر اساس نظر کارشناسان با توجه به این که نوع مقیاس اسمی بوده از آزمون خی دو استفاده گردید. همچنین از مدل سازی معادلات ساختاری (amos16) برای تجزیه و تحلیل داده ها و مدل سازی استفاده گردید.

یافته ها

جدول شماره ۱: تعیین ذینفعان اولیه و ثانویه وزارت ورزش و جوانان بر اساس نظرات مدیران و متخصصان ورزشی

معنی داری	درجه آزادی	کای اسکور	ذینفع ثانویه	ذینفع اولیه	ذینفع
۰/۰۱	۱	۶/۵۴	۵	۱۷	باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای (باشگاه‌های حرفه ای فوتبال، والیبال و ...)
۰/۰۱	۱	۶/۵۴	۵	۱۷	باشگاه‌های ورزشی همگانی (باشگاه‌های فعال در زمینه ورزش همگانی)
۰/۰۰۱	۱	۱۸/۱۸	۱	۲۱	فدراسیون‌های ورزشی ملی
۰/۰۰۱	۱	۱۸/۱۸	۲۱	۱	اداره کل تربیت بدنی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (ورزش دانشجویی)
۰/۰۰۱	۱	۱۴/۷۲	۲۰	۲	اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری (ورزش دانشجویی)
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش (ورزش دانش آموزی)
۰/۰۰۱	۱	۱۸/۱۸	۲۱	۱	اداره کل تربیت بدنی دانشگاه آزاد (ورزش دانشجویی)
۰/۰۰۱	۱	۱۸/۱۸	۱	۲۱	هیئت‌های ورزشی
۰/۰۰۱	۱	۱۴/۷۲	۲۰	۲	شهروندان‌دراگیر ورزش همگانی
۰/۰۳	۱	۴/۵۴	۶	۱۶	دولت
۰/۰۱	۱	۶/۵۴	۱۷	۵	بخش خصوصی
۰/۰۱	۱	۶/۵۴	۵	۱۷	کارکنان وزارت ورزش
۰/۰۳	۱	۴/۵۴	۱۶	۶	رسانه‌های (راديو، تلویزیون، روزنامه)
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۳	۱۹	کمیته ملی المپیک
۰/۰۱	۱	۶/۵۴	۱۷	۵	مجلس شورای اسلامی
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	اداره کل امور ورزش و تفریحات سالم وزارت کار و امور اجتماعی (ورزش کارگری)
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	حامیان مالی در ورزش
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	شهرداری‌ها
۰/۰۰۱	۱	۱۸/۱۸	۲۱	۱	شورای عالی ورزش کارمندان
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	داوطلبان ورزشی
۰/۰۰۱	۱	۱۱/۶۳	۱۹	۳	معاونت تربیت بدنی نیروهای مسلح (ورزش نیروهای مسلح)

مدیران و متخصصان بر اساس تعریف ذینفع اولیه و ثانویه، ذینفعان اولیه و ثانویه وزارت ورزش و جوانان را تعیین کردند و بعد از جمع آوری اطلاعات از آزمون خی دو همانطوری که در جدول ۱ شماره مشاهده می شود، ذینفعان اولیه و ثانویه وزارت ورزش تعیین گردید.

جدول شماره ۲: ذینفعان اولیه و ثانویه وزارت ورزش و جوانان

ذینفعان ثانویه	ذینفعان اولیه
بخش خصوصی	فدراسیون‌های ورزشی ملی
اداره کل تربیت بدنی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	باشگاه‌های ورزشی حرفه‌ای
اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری	باشگاه‌های ورزشی همگانی
اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش	هیئت‌های ورزشی
اداره کل تربیت بدنی دانشگاه آزاد	دولت
شهروندان‌رگیر ورزش همگانی	کارکنان‌وزارت ورزش
رسانه‌ملی (رادیو، تلویزیون، روزنامه)	کمیته ملی المپیک
معاونت تربیت بدنی نیروهای مسلح	
داوطلبان ورزشی	
شورای عالی ورزش کارمندان	
شهرداری‌ها	
حامیان مالی در ورزش	
اداره کل امور ورزش و تفریحات سالم وزارت کار و امور اجتماعی	
مجلس شورای اسلامی	

نتایج مربوط به مدل اندازه‌گیری متغیرهای مستقل پژوهش

قبل از ارائه نتایج مربوط به مدل ساختاری پژوهش، تایید مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش الزامی است. که شامل متغیرهای منافع فدراسیون‌های ورزشی، منافع بخش خصوصی و مشروعیت سازمانی است. برای بررسی مدل اندازه‌گیری پژوهش معنی داری وزنه‌های رگرسیون در سطح ۹۹٪، که دلالت بر روایی همگرایی دارد و شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری مهم هستند. نتایج حاصل از شاخص‌های برازش نشان دهنده برازش مدل بر اساس داده‌های نمونه هستند. تمامی گویه‌های مربوط به منافع بخش خصوصی و فدراسیون‌های ورزشی در سطح معنی داری ۰/۰۰۱ معنی دار است (Sig=۰/۰۰۱). همچنین شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری مربوط به این دو متغیر در ذیل آمده است که نشان دهنده برازش خوبی برای این متغیرها است.

جدول شماره ۴: شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری منافع فدراسیون و بخش خصوصی

شاخص‌ها	GFI	AGFI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
منافع فدراسیون	۰/۹۳۷	۰/۸۳۴	۰/۹۴۰	۰/۹۵۴	۰/۹۵۴	۰/۱۴
منافع بخش خصوصی	۰/۹۵۴	۰/۸۷۹	۰/۹۳۹	۰/۹۵۴	۰/۹۵۳	۰/۱۲

نتایج مربوط به مدل اندازه‌گیری مشروعیت سازمانی به عنوان متغیر وابسته

معناداری وزن‌های رگرسیونی نشان دهنده روایی همگرایی این مدل اندازه‌گیری است (Sig=۰/۰۰۱). همچنین شاخص‌های برازش نیز نشان می‌دهد که این مدل اندازه‌گیری دارای برازش خوبی است.

جدول شماره ۵: شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری

شاخص‌ها	GFI	AGFI	NFI	IFI	CFI	RMSEA
مشروعیت سازمانی	۰/۹۹	۰/۹۶۴	۰/۹۵۴	۰/۹۷۴	۰/۹۷۳	۰/۰۵

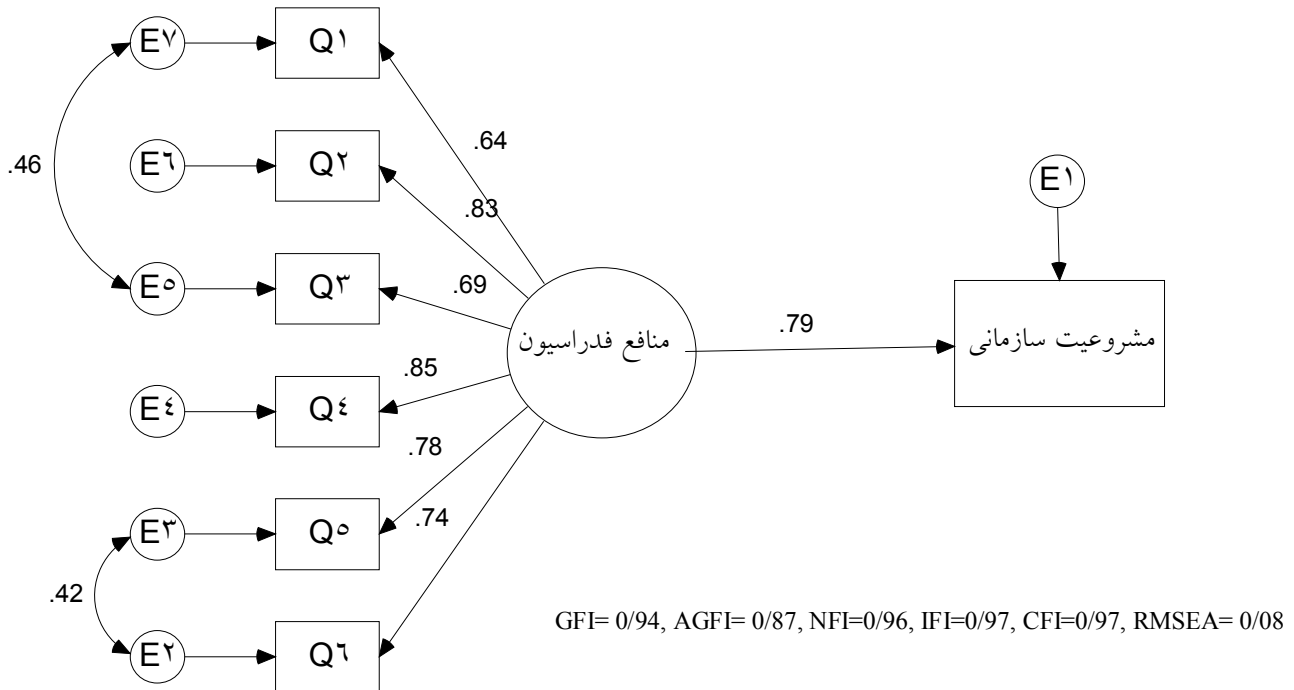
جدول شماره ۶: گویه‌های مربوط به سؤالات ۱ تا ۵ مشروعیت سازمانی

تعریف	وزن رگرسیونی غیر استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	بارعاملی
۱ پیروی وزارت ورزش از قوانین دولت برای اجرای فعالیتهای خود در ورزش کشور	۱/۳۷	۰/۴۲	۳/۲۳	۰/۳۴
۲ تعهد وزارت ورزش به انطباق با استانداردهای جهانی ورزش در فعالیتهای خدماتی	۱/۴۳	۰/۴۵۰	۳/۱۸	۰/۳۳

تعریف	وزن رگرسیونی غیر استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	بارعاملی
خود به جامعه و ذینفعانش				
۳ موافقت اکثر ذینفعان در جامعه با فعالیتهای وزارت ورزش	۳/۰۳	۰/۸۳	۳/۶۴	۰/۷۰
۴ توجه قابل قبول ذینفعان برای هدفهای که وزارت ورزش برای خود تعیین نموده است.	۲/۵۳	۰/۶۸	۳/۶۸	۰/۶۵
۵ حمایت ذینفعان وزارت ورزش از اهداف و فعالیتهای وزارت ورزش	۱	-	-	۰/۲۵

نتایج مدل ساختاری پژوهش

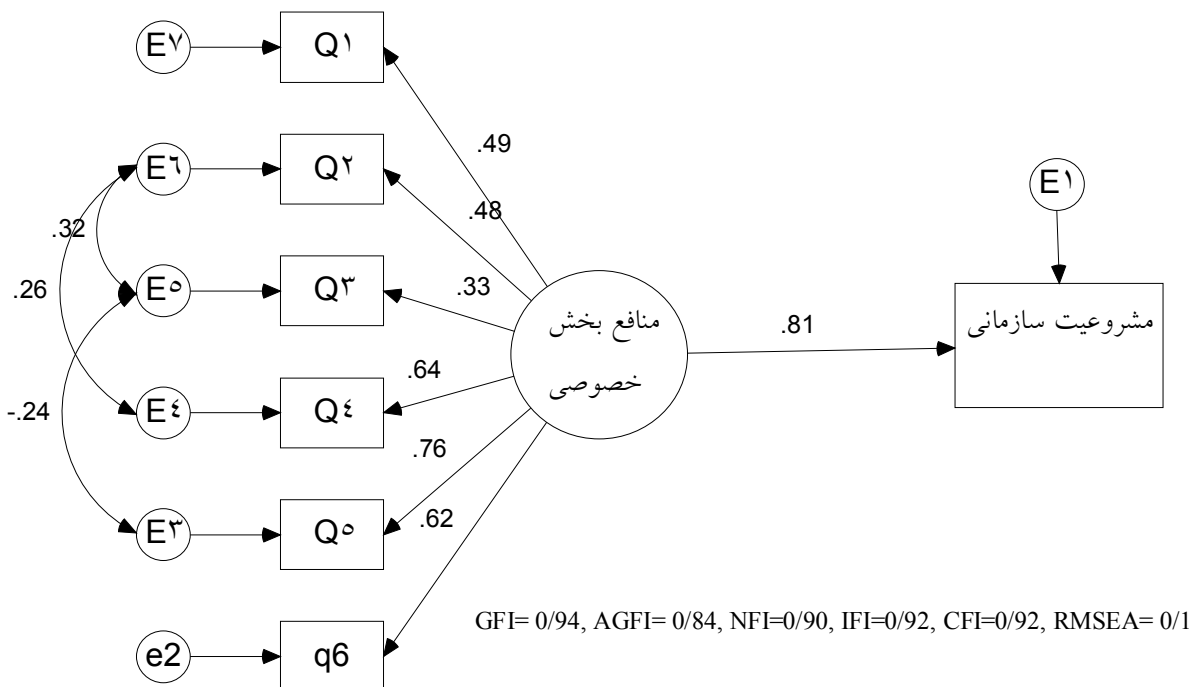
الف: تاثیر تامین منابع فدراسیون ها بر مشروعیت سازمانی وزارت ورزش



شکل ۱: مدل ساختاری تاثیر تامین منابع فدراسیون های ملی بر مشروعیت سازمانی وزارت ورزش

جدول شماره ۷: گویه های مربوط به سؤالات ۱ تا ۶ منابع فدراسیون های ورزشی و بار عاملی آنها

تعریف	وزن رگرسیونی غیر استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	بار عاملی
۱ تأمین منابع مالی فدراسیون بر اساس تقویم ورزشی مصوب وزارت ورزش	۰/۷۵	۰/۱۱	۶/۷۹	۰/۶۴
۲ تأمین منابع مالی فدراسیون در زمان مناسب	۰/۷۸	۰/۱۰	۷/۳۰	۰/۸۳
۳ توسعه زیر ساخت های رشته ورزشی بر اساس نیاز فدراسیون	۰/۴۴	۰/۱۰	۴/۴۲	۰/۶۹
۴ امور مربوط به اعزام تیمهای ورزشی به مسابقات برون مرزی	۱/۱	۰/۱۲	۸/۷۱	۰/۸۵
۵ تسهیل ارتباطات برون مرزی فدراسیون با سازمانهای بینالمللی	۱/۲	۰/۱۳	۹/۱۷	۰/۷۸
۶ تأمین تجهیزات و وسایل ورزشی مورد نیاز فدراسیون	۱	-	-	۰/۷۴



شکل ۲: مدل ساختاری تاثیر تامین منافع بخش خصوصی بر مشروعیت سازمانی وزارت ورزش

جدول ۸ شماره: گویه های مربوط به سئوالات ۱ تا ۶ منافع بخش خصوصی و بار عاملی آنها

تعریف	وزن رگرسیونی غیر استاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	بار عاملی
۱ ارائه یارانه های حمایتی به سرمایه گذاران بخش خصوصی در ورزش	۰/۷۳۲	۰/۱۲	۶/۰۷۵	۰/۴۹
۲ تخفیف های مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم (تخفیف در هزینه برق، آب)	۰/۶۸۷	۰/۱۱۷	۵/۹۰۰	۰/۴۸
۳ پرداخت تسهیلات با حداقل سود بانکی با بازپرداخت اقساط بلند مدت و لحاظ دوره انتظار بعد از بهره برداری	۰/۴۶۴	۰/۱۱۴	۴/۰۶۰	۰/۳۳
۴ ارائه تسهیلات در ساخت اماکن ورزشی و خرید تجهیزات ورزشی از داخل و خارج	۱/۰۳۲	۰/۱۳۸	۷/۵۰۳	۰/۶۴
۵ هماهنگی بین وزارت ورزش با سایر نهادهای دولتی در ارائه تسهیلات	۱/۲۷۲	۰/۱۵۲	۸/۳۸۱	۰/۷۶
۶ جلوگیری از قوانین سختگیرانه نهادهای دولتی در اداره اماکن ورزشی	۱	-	-	۰/۶۲

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت نقش مشروعیت سازمانی و تاثیراتی که می تواند برای سازمان به ارمغان بیاورد لزوم حفظ و افزایش مشروعیت سازمانی برای سازمانی چون وزارت ورزش و جوانان به منظور افزایش قدرت خود در اجرای برنامه ها، استراتژی ها و فرایندهای توسعه ورزش به وسیله ذینفعان به چشم می خورد. بدین منظور این پژوهش با هدف تعیین ارتباط تامین منافع ذینفعان با مشروعیت سازمانی وزارت ورزش انجام شد.

نتایج حاصل از خروجی های معادلات ساختاری نشان می دهد که تاثیر تامین منافع فدراسیون های ملی بر مشروعیت سازمانی وزارت ورزش برابر با ۰/۷۴ و وزن رگرسیونی استاندارد یا همان بار عاملی است. تامین منافع فدراسیون های ملی یا ذینفع مداری در مورد فدراسیون ها دارای ۶ گویه و شاخص است که بر اساس بار عاملی آنها به ترتیب مهمترین آنها به قرار زیرند: امور مربوط به اعزام تیمهای ورزشی به مسابقات برون مرزی (۰/۸۵)؛ تامین منابع مالی فدراسیون در زمان مناسب (۰/۸۳)؛ تسهیل ارتباطات برون مرزی فدراسیون با سازمانهای بینالمللی (۰/۷۸)؛ تامین تجهیزات و وسایل ورزشی مورد نیاز فدراسیون (۰/۷۴)؛ توسعه زیر ساخت های رشته ورزشی بر اساس نیاز فدراسیون (۰/۶۹)؛ تامین منابع مالی فدراسیون بر اساس تقویم ورزشی مصوب وزارت ورزش (۰/۶۴).

همانطور که نتایج و بار عاملی مربوط به هر شاخص نشان می دهد تمامی عوامل دارای بار عاملی بالایی بوده و این مسئله نشان دهنده اهمیت تمامی این عوامل در تامین منافع ذینفعان دارد. یکی از یافته های پژوهشی این بود که امور مربوط به اعزام تیم های ورزشی به مسابقات مرزی

بیشترین بار عاملی را در مدل ساختاری به خود اختصاص می‌دهد. در این مورد، باید بیان شود که هرگونه اعزام تیم به مسابقات برون مرزی با همکاری و تعامل وزارت ورزش و با مجوز آنها صورت می‌گیرد که نیاز به همکاری بیشتر در این زمینه بین فدراسیون و وزارت ورزش است. مسئله بعدی تامین منابع مالی فدراسیون در زمان مناسب است که نشان از وابستگی زیاد مالی فدراسیون به وزارت ورزش در بخش‌های زیادی است که باید در زمان مناسب و بدون تاخیر در اختیار فدراسیون قرار گیرد تا بتوانند بر اساس تقویم تعیین شده سالانه برنامه‌های سالانه خود را انجام دهند. تسهیل ارتباطات برون مرزی فدراسیون با سازمانهای بین‌المللی با بار عاملی $0/78$ در مرتبه بعدی قرار دارد. اگرچه فدراسیون‌ها خودشان می‌توانند در این زمینه اقدامات لازم را انجام بدهند ولی با توجه به شرایط فدراسیون‌ها در کشور ما و اینکه فدراسیون‌ها به لحاظ مالی و بسیاری از امور به وزارت ورزش و جوانان وابسته هستند این انتظار از وزارت ورزش می‌رود که بستر لازم را برای توسعه ارتباطات بین‌المللی برای فدراسیون‌ها فراهم آید شاید این مسئله از آنجا نشأت می‌گیرد که امروزه یکی از دلایل مهم توسعه ورزش، توسعه ارتباطات بین‌المللی بین کشورها و سازمانهای ورزشی به جهت تبادل نیروی انسانی، دانش، فن آوری و تجربیات مدیریت باشد که این مهم از طریق وزارت ورزش می‌تواند تسهیل گردد. دیگر منافع فدراسیون‌ها بیشتر جنبه مالی داشته که مربوط توسعه زیرساختها، وسایل و تجهیزات و تأمین مالی فدراسیون‌ها بوده که نیازمند برنامه‌ریزی دقیق وزارت ورزش در این زمینه می‌باشد. در واقع زمانی وزارت ورزش از نظر دست‌اندرکاران فدراسیون‌ها دارای مشروعیت است که به این منافع فدراسیون‌ها پاسخ بدهد و اگر این منافع تأمین شود بر اساس نتایج پژوهش مشروعیت سازمانی وزارت ورزش افزایش می‌یابد و در عوض فدراسیون‌ها از اهداف استراتژیک وزارت ورزش حمایت کرده و از آن پیروی می‌کنند.

در این قسمت منافع بخش خصوصی بررسی می‌شود که این منافع نیز دارای ۶ گویه است. که مهمترین آنها به ترتیب زیر است: هماهنگی بین وزارت ورزش با سایر نهادهای دولتی (در ارائه تسهیلات) $(0/76)$ ؛ ارائه تسهیلات در ساخت اماکن ورزشی و خرید تجهیزات ورزشی از داخل و خارج $(0/64)$ ؛ جلوگیری از قوانین سختگیرانه نهادهای دولتی در اداره اماکن ورزشی $(0/62)$ ؛ ارائه یارانه‌های حمایتی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در ورزش $(0/49)$ ؛ تخفیف‌های مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم (تخفیف در هزینه برق، آب) $(0/48)$ ؛ پرداخت تسهیلات با حداقل سود بانکی با بازپرداخت اقساط بلند مدت و لحاظ دوره انتظار بعد از بهره برداری $(0/33)$.

مهمترین عامل در بخش خصوصی برای تأمین منافع ذینفعان هماهنگی بین وزارت ورزش با سایر نهادهای دولتی در ارائه تسهیلات است که به تنهایی در تبیین واریانس منافع بخش خصوصی $0/76$ از واریانس منافع را به خود اختصاص داده است. شاید این مسئله به این بر می‌گردد که بین واحدهای اجرایی و مراجع تصمیم‌گیری مربوط به بخش خصوصی ورزش هماهنگی لازم از جهت قانون‌گذاری و ارائه تسهیلات وجود ندارد و شاید دخالت‌های موازی ارگانهای مختلف در بخش خصوصی درگیر در ورزش باعث می‌شود که این عامل به عنوان مهمترین عامل منافع بخش خصوصی باشد. البته رشد و توسعه بخش خصوصی نیازمند توسعه همکاری و هماهنگی بین نهادهای دولتی و خصوصی است که این انتظار از وزارت ورزش و جوانان می‌رود که برای فعالیت بهتر و موثرتر بخش خصوصی در ورزش از موازی‌کاریهای و عدم هماهنگی بین سازمانی کاسته تا این بخش در جهت توسعه ورزش همگانی و قهرمانی با اشتیاق بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد. چون هزینه راه‌اندازی ورزش با ارائه خدمات با کیفیت هزینه‌بر بوده و نیاز به حمایت دولت و وزارت ورزش در این زمینه می‌باشد تا بتواند افراد علاقمند را به سرمایه‌گذاری در این زمینه تشویق نماید، بنابراین نیاز به ارائه تسهیلات تجهیزات و پرداخت وام به منظور تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی لازم و ضروری است. دیگر عوامل هم به نوعی به حمایت وزارت ورزش از بخش خصوصی و امتیازهای تشویقی و حمایتی مربوط می‌شود که برای توسعه بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ورزش باید توجه لازم شود.

پارسون (۱۹۵۶) اظهار داشت که چون ذینفعان سازمان زیاد هستند بنابراین معیار مشروعیت سازمانی از دیدگاه ذینفعان نیز زیاد بوده و در واقع برای مشروعیت بخشیدن به سازمان معیارهای متفاوتی از دیدگاه ذینفعان مختلف وجود دارد و هر گروه ذینفع، مشروعیت را بر اساس نیازها و انتظارات و تقاضای خود تعریف می‌کنند (۲۰). ذینفعان وزارت ورزش نیز زیاد است، بنابراین منافع هر یک از آنها را بایست تعریف شود بر اساس شرایط به نیازهای آنها پاسخ گفت تا مشروعیت سازمانی وزارت ورزش حفظ و کسب گردد. چون مشروعیت سازمانی به معنی پذیرش سازمان بوسیله محیط بیرونی‌اش است و به عنوان مفهومی اساسی در تئوری سازمانی است (۲۱). نقش مشروعیت در ایجاد سیستم و شبکه اثربخش در هر بخشی موثر است. در واقع هر سیستمی چون سیستم ورزش ملی که در آن روابط همکارانه بین وزارت ورزش و ذینفعانش جریان دارد، برای ادامه فعالیت خود نیاز به مشروعیت سازمانی کنترل‌کننده سیستم (وزارت ورزش و جوانان) دارد که در زیر اهمیت هر یک از شاخص‌های مشروعیت سازمانی بر اساس بار عاملی آنها به ترتیب آمده است: موافقت اکثر ذینفعان در جامعه با فعالیت‌های وزارت ورزش $(0/70)$ ؛ توجیه قابل قبول ذی‌نفعان برای هدفهای که وزارت ورزش برای خود تعیین نموده است $(0/65)$ ؛ پیروی وزارت ورزش از قوانین دولت برای اجرای فعالیت‌های خود در ورزش کشور $(0/34)$ ؛ تعهد وزارت ورزش به انطباق با استانداردهای جهانی ورزش در فعالیت‌های خدماتی خود به جامعه و ذینفعان ش $(0/33)$ ؛ حمایت ذینفعان وزارت ورزش از اهداف و فعالیت‌های وزارت ورزش $(0/25)$ ؛

همانطور که نتایج نشان می‌دهد موافقت ذینفعان با فعالیت‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های وزارت ورزش مهمترین عامل مشروعیت بخشی به وزارت ورزش و جوانان بوده که $0/49$ از واریانس مشروعیت سازمانی را تبیین می‌کند. بنابراین توجه به این امر از طرف مدیران امری ضروری در مشروعیت بخشی به وزارت ورزش و جوانان است که ذینفعان وزارت ورزش، برنامه‌های اجرایی و تصمیماتی که وزارت ورزش اتخاذ می‌کند را قبول

نمایند و این امر مستلزم تعامل با ذینفعان، کسب دانش درباره ذینفعان است. همچنین مسئله مهم دیگر این است که ذینفعان توجیه قابل قبولی برای اهداف وزارت ورزش داشته باشند. وقتی ذینفعان فعالیت و اهداف وزارت ورزش را متناسب با محیط و نیازهای خود نبینند در واقع توجیه مناسبی را برای اهداف نمی‌توانند متصور شوند و مشروعیت سازمان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. این مسئله نیازمند این است که وزارت ورزش اهداف خود را به اطلاع عموم و ذینفعانش برساند و آن را برای ذینفعان قابل توجیه نماید و به نوعی شفافیت در کارها و اهداف خود داشته باشد. عامل بعدی پیروی وزارت ورزش از قوانین دولتی در فعالیتهای خود است. اگر اساس کار وزارت ورزش قوانین دولتی بوده و براساس آن عمل نماید بر مشروعیت سازمانی وزارت ورزش تاثیر گذار بوده چون می‌تواند برنامه و فعالیتهای خود را براحتی برای ذینفعانش توجیه نماید و در چارچوب قانون مشروعیت سازمان می‌تواند تأمین گردد. همچنین عامل بعدی مربوط به تعهدی وزارت ورزش به انطباق با استانداردهای جهانی ورزش در فعالیتهای خدماتی خود به جامعه و ذینفعانش است که در مرتبه بعدی به لحاظ تبیین واریانس مشروعیت سازمانی قرار دارد. این عامل شاید به کیفیت و مدیریت کیفیت در سیستم ورزش کشور نیازمند باشد و نشان دهنده این مسئله است که امروزه انتظارات ذینفعان از وزارت ورزش در زمینه ارائه خدمات بالاتر رفته و تأمین منافع ذینفعان باید با حداقل استانداردهای خدمت مطابقت داشته باشد و خدماتی با کیفیت به ذینفعان خود در این زمینه ارائه دهد و آخرین عامل، حمایت ذینفعان از اهداف و فعالیتهای وزارت ورزش است این نشان می‌دهد که برای وزارت ورزش بر اساس تقسیم بندی مشروعیت، مشروعیت شناختی در مرحله اول اولویت قرار داشته چون عوامل اولیه مشروعیت، مربوط به مشروعیت شناختی وزارت ورزش بوده و عامل آخر مربوط به مشروعیت عملی وزارت ورزش است. تمامی این مباحث به این مسئله بر می‌گردد که اولین مرحله در فرایند توسعه ورزش به ذینفعان توسعه ورزش اشاره دارد. زمانی که به نیازهای ذینفعان پاسخ داده نشود مراحل دیگر توسعه ورزش نیز قابل اجرا شدن نمی‌باشد که بتوان استراتژی‌ها، برنامه‌ها و فرایندهای توسعه را از سوی این ذینفعان که بازوان اجرایی وزارت ورزش هستند، اجرا نمود. پس تأمین منافع ذینفعان وزارت ورزش در این مفهوم به دلایل ابزاری که بهبود عملکرد سازمانی را به دنبال دارد برای وزارت ورزش و جوانان امر لازم و تعیین کننده خواهد بود و این مهم از طریق قدرتی که مشروعیت سازمانی به وزارت ورزش و جوانان می‌دهد، انجام خواهد شد (۱۵،۹ و ۲۲). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت تأمین منافع ذینفعان توسط وزارت ورزش و جوانان موجب می‌شود که ذینفعان عملیات و برنامه‌های وزارت ورزش و جوانان را خوب ارزیابی کنند و مشروعیت سازمانی نزد ذینفعان افزایش یافته و ذینفعان همکاری و حمایت‌های لازم را برای توسعه سیستم ورزش اثربخش و اجرای برنامه‌های وزارت ورزش و جوانان داشته باشد. همچنین بر این اساس پیشنهاد می‌شود که مهمترین منافع بخش خصوصی هماهنگی بین وزارت ورزش با سایر نهادهای دولتی در ارائه تسهیلات بوده که می‌تواند بیشتر مورد توجه تصمیم گیران و مدیران وزارت قرار گیرد و برای فدراسیون ها تسهیل ارتباطات برون مرزی فدراسیون با سازمانهای بین المللی که توجه بیش از پیش به این مسئله می‌تواند بر رضایت فدراسیون ها تاثیر داشته باشد و وزارت ورزش برای مشروعیت بخشیدن به سازمان خود باید بر این منافع تمرکز کرده و راهکارهایی برای تأمین آن فراهم آورد؛ چون موافقت این ذینفعان با فعالیتهای و اقدامات وزارت ورزش و جوانان مهمترین عامل مشروعیت بخشی وزارت است.

References:

1. Koen, B. V., and Bouckaert, G. (2007). Pressure, Legitimacy and Innovative Behavior by Public Organizations, *governance*, 20(3).
2. Ruef, M., and Scott W. R. (1999), A Multidimensional Model of Organizational Legitimacy: Hospital Survival in Changing Institutional Environments, *Administrative Science Quarterly*, 43(4): 877-904.
3. Lorente, C.J., Jimenez, J. B, Alvarez-Gil, M. J. (2003). Stakeholders' environmental influence. An empirical analysis in the Spanish hotel industry, *Scand. J. Mgmt.* 19: 333-358
4. Gray, R.H., Kouhy, R., and Lavers, S. (1995). Corporate social and environmental reporting: a review of the literature and a longitudinal study of UK disclosure. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 8(2), 47-77.
5. Matthews, M.R. (1993). *Socially Responsible Accounting*. London: Chapman and Hall.
6. Deegan, C. and Rankin, M. (1996). Do Australian companies report environmental news objectively? An analysis of environmental disclosures by firms prosecuted successfully the Environmental Protection Authority, *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 9(2), 50-67.
7. Dowling, J. and Pfeffer, J. (1975). Organizational legitimacy: social values and organizational behavior, *Pacific Sociological Review*, 18(1), 122-136.
8. Driscoll, C., Crombie, A. (2001). Stakeholder Legitimacy Management and the Qualified Good Neighbor: The Case of Nova Nada and JDI, *Business & Society*, 40(4): 442-471.
9. Sotiriadou, K. (2005). The sport development processes in Australia, Dissertation, university of technology.
10. Duesing, J. R. (2009). Stakeholder orientation and its impact on performance in small business, Dissertation, Oklahoma State University.
11. Bakker d. F., Hond d. F., and vanderPlas R. (2002). Stakeholder influence strategies and stakeholder-oriented management, paper prepared for the 10th Greening of Industry Network Conference, Göteborg, Sweden, and 23-26 June.
12. Colle, de, S. (2005). A stakeholder management model for ethical decision making, *Int. J. Management and Decision Making*, 6(3/4):299-314.
13. Paulson, S. K. (1985). A Paradigm for the Analysis of Interorganizational Networks. *Social Networks*, 7, 105-126.
14. Pennings, J. M. (1981). Strategically interdependent organizations. In P. C. Nystrom, & Starbuck, W.H. (Ed.), *Handbook of Organizational Design* (Vol. 1). New York: Oxford University Press.
15. Sotiriadou (Popi), K. (2009). The Australian sport system and its stakeholders: development of cooperative relationships', *Sport in Society*, 12: 7, 842 - 860.
16. Thibault, L., and J. Harvey. (1997) 'Fostering Inter organizational Linkages in the Canadian Sport Delivery System'. *Journal of Sport Management*, 1: 45-68.
17. Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach*, Boston, MA: Pitman.
18. Massey, E. J. (2001) *Managing Organizational Legitimacy: Communication Strategies for Organizations in Crisis*, *Journal of Business Communication*. 138 (2):153-183.
19. Ghasemi, V. (2009). Introduction of structural equation model. Jameeshenasan publisher. Tehran.
20. Woodward, D., Edwards, P. and Birkin, F. (2001). Some evidence on executives' views of corporate social responsibility. *British Accounting Review*, 53-63.
21. Watts, T., Baard, V., and McNair C. J. (2006). The rise and decline of a mandatory accountability measure.
22. Sotiriadou, K., Shilbury, D., Quick, S. (2008). The attraction, retention/ transition, and nurturing process of sport development: Some Australian evidence" *Journal of sport management*, 22 (3), 247-272.